



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

# مهندسی گذار از نظریه به عمل

## (فرآیند مطلوب گذار از نظریه به عمل)



مهندسین گذار از نظریه به عمل (مهندسی نظریه به عمل) (ج) حسین بدی و جمشید گری

است؟ نوشتار حاضر به دنبال آن است که به صورت مختصر، بدین

### الف) مدخل بحث:

برای این که نظریه یا "نظریه" ای<sup>(۱)</sup> جامه عمل بپوشد، چه مسیرها و  
 پرسش اساسی پاسخ گوید.  
 مراتبی باید طی شود؟ گرچه این مسیر می تواند نستجیده و یا حتی با  
 واضح است که این نکات موجز را تنها باید درآمد و پیش گفتاری  
 بر بحث مهم "مهندسی گذار از نظریه به عمل" قلمداد نمود، که نگارنده  
 ملاحظه، اما غلط پیموده شود، اما فرآیند مطلوب این روند کدام



امید دارد در آینده این موضوع را تفصیلاً به بحث گذارد.

## ۲) دکترین:

"دکترین"<sup>(۳)</sup> در لغت به اصول، اصول عقیده، تعلیم، آموزه، مکتب و حتی سیاست ترجمه شده است.<sup>(۴)</sup> دکترین در اصطلاح حداقل در چهار معنا تعریف و مطرح شده است:

اول: اصول و قواعدی که در هر یک از شاخه‌های علوم و یا میان پیروان یک آیین، مورد تصدیق و اعتقاد باشد؛

دوم: مجموعه‌ای از عقاید که دستگامی از نظریات دینی و فلسفی یا سیاسی را تشکیل دهد؛

سوم: مجموع عقایدی که در باب توجیه، بیان و تفسیر قواعدی از طرف علمای فن اظهار شده است؛

چهارم: اصول یک فلسفه، نظام فکری یا سیاست و خط‌مشی. در رابطه با دکترین، نکات چندی قابل توجه اند:

اولاً: یک دکترین می‌تواند انعطاف‌پذیر و یا انعطاف‌ناپذیر بوده و به صورت بی‌چون و چرا پیروی شود.

ثانیاً: یک دکترین می‌تواند ارزشی، غیرارزشی و یا ضدارزشی باشد.

ثالثاً: در دکترین به مجموعه‌ای از قواعد که هر یک اصل عملی هستند، توجه شده و نظر به تحقق و عینیت دارند. رابعاً: در دکترین باید به این پرسش پاسخ داد که برای رسیدن به آن چه باید کرد؟ و از این رو به سایر مراحل تطور از نظر به عمل نیاز داریم (چنانچه مقاصد دکترین، آن را با بحث هدف پیوند می‌دهد).

خامساً: تعریف قواعد و اصول عملی و آرایه دکترین، هم ذهنی وسیع و در عین حال اهداف شفاف می‌خواهد، و هم چون نظر به تحقق دارد، نوعی واقع‌گرایی و ملاحظه شرایط عصر و درک موقعیت زمان و مکان در آن مستتر است و از این رو دسترسی و پیشنهاد دکترین کار نسبتاً سنگینی است.

## ۳) استراتژی:

"استراتژی"<sup>(۵)</sup> در لغت به فن اداره جنگ، طراحی نقشه برای جنگ یا طرح نقشه برای نقل و انتقالات ترجمه شده است. استراتژی در

به نظر می‌رسد که اگر نظر و یا نظریه‌ای، با هدف تحقق و اعمال شدن مطرح شوند (البته نظریاتی وجود دارند که غایت اندیشه‌ای و ذهنی دارند، نه غایت عملی و بیرونی)، مجموعه‌ای را با ارکان زیر می‌توانند به خود ببینند، تا به مطلوب‌ترین شکل محقق شوند:

۱) تعریف هدف؛

۲) تعریف دکترین؛

۳) تعیین استراتژی (راهبرد)؛

۴) طراحی سیاستگذاری (خط‌مشی)؛

۵) پیش‌بینی تاکتیک (راهکار).

گرچه فرآیند فوق از نظر تا عمل را می‌توان در حوزه مسایل فردی و کوچکتر نیز مورد عنایت قرار داد، اما نوشتار حاضر نظر به امور جمعی، کلان، سازمانی و امور دارد.

## ب) مهندسی نظر تا عمل:

برای عینی کردن ذهنیات، طی مراحل زیر ضروری به نظر می‌رسد تا باورها به صورت مطلوبی، لباس خارجی و جامه عمل بپوشند:

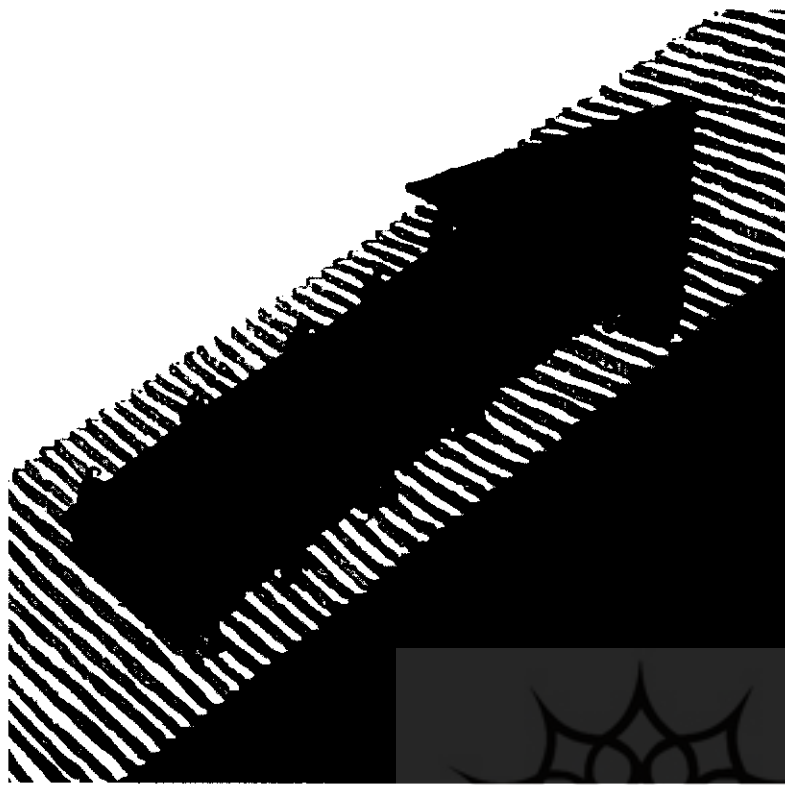
### ۱) هدف:

به نظر می‌رسد که اهداف در دو مرحله، با نظر یا نظریه‌ها مرتبط‌اند: اول: به صورت "پیشینی"، که یک فرد برای طرح دیدگاه خود از سابق، غایتی دارد.

دوم: به صورت "پسینی"، که اگر

یک نظر یا نظریه بخواهد جامه عمل بپوشد، غایاتی را در پیش رو خواهد داشت که لاجرم باید این دیدگاه مطرح شود و در راستای آن هدف مدون و تنظیم گردد. در غایات پسینی است که زمانمند بودن دیدگاه‌ها مطرح شده و اهداف به سه مقطع "کوتاه مدت"، "میان مدت" و "بلند مدت" تقسیم می‌شوند. و در همین سطح است که از انواع هدف‌های "مستقل" یا "وابسته"، "ظاهری" یا "واقعی"، "سازگار" یا "ناسازگار" "متحد" یا "پراکنده"، "برای حفظ وضع موجود" یا "برای تغییر موجود" و... سخن به میان می‌آید.<sup>(۶)</sup>





اصطلاح از جمله بدین نحو معرفی شده است:

"هنر و علم توسعه و به کارگیری نیروهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی ملت در جنگ و صلح، به منظور تامین حداکثر پشتیبانی از سیاست ملی به قصد افزایش احتمالات نتایج مطلوب برای پیروزی و تقلیل احتمالی شکست".<sup>(۶)</sup>

نکات قابل توجه در بحث استراتژی

عبارت اند از:

اولاً: استراتژی روشی برای تحقق

دکترین است (والبته تاکتیک نیز روشی برای اجرای استراتژی).

ثانیاً: استراتژی به تعبیر "آندره بوفر"،

تصمیم در مورد یک خط مشی که باید در آتیه پیگیری شود و مورد عمل قرار گیرد را سیاستگذاری<sup>(۷)</sup> گویند.

نکات قابل تذکر در بحث سیاستگذاری عبارت اند از:

اولاً: گرچه یک "دکترین"<sup>(۸)</sup> یا استراتژیست می تواند دور از صحنه عمل بوده و به عنوان یک فرد صاحب عقیده، طرح دیدگاه کند، اما یک "سیاستگذار" لزوماً با مسایل عملی و عینی، به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم درگیر است و اگر خود مجری نباشد و در "صف" عمل نکند، حداقل در حد "ستادی" درگیر مسایل اجرایی و بیرونی است و برای مسایل مستحدثت تصمیم می گیرد.<sup>(۹)</sup>

ثانیاً: سیاستگذاران حلقه واسط بین نظر و نظریه از سویی و عمل محض از سوی دیگر هستند و لذا باید اطلاعات خام را از حوزه های عملیاتی اخذ و پردازش مفهومی نموده و در اختیار نظریه پردازها و استراتژیست ها و دکترینها قرار دهند. چنانچه باید، نظریه ها و استراتژی ها و دکترین ها را عملیاتی نموده و متناسب با ماموریت های عاملین، توزیع نمایند.

ثالثاً: اگر سیاستگذارانی نسبت به دکترینی توجیه نباشند و یا نخواهند بدان عمل نمایند، بهترین دکترین ها و استراتژی ها نیز عقیم مانده و بارور نخواهند شد. از این رو وجود سیاستگذاران با انگیزه،

ذی سطوح است. از استراتژی که در راس هرم قرار داشته و تحت اختیار دولت و مراجع سیاسی است، تا سطحی از استراتژی که هر یک از رشته های مختلف مربوط به اداره کشور را در بر می گیرد... و تا مرحله نهایی که بایستی هر یک از این رشته فعالیت ها، استراتژی خاص خود را مشخص و تشریح نمایند و در این مرحله نهایی است که اندیشه و عمل با هم منطبق می شوند.<sup>(۱۰)</sup>

ثالثاً: از جمله ویژگی های استراتژی عبارت اند از: کلی و فراگیر بودن، نسبتاً ثابت و پایدار بودن، قبل و بعد و حین کنش را از نظر زمانی پوشش دادن و مکتوم و نامشخص بودن (برای دیگران).

رباعاً: مفهوم استراتژی طی زمان روبه کمال و گستردگی گذارده و امروز غیر از جنبه های نظامی و عملیاتی (که در استراتژی سنتی مورد اهتمام بوده است)، جهات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و... را نیز در بر می گیرد.

## ۲) سیاست (خط مشی):

واژه "سیاست"<sup>(۱۱)</sup> به معنی طرح کلی و رئوس مطالب برای اقدام، یا برنامه، نظر و عمل سیاسی است. اصولاً در هر امری، دولت ها و سازمان ها و یا افراد دارای نظر، برنامه و روش اجرایی ویژه ای هستند که از آن به عنوان سیاست یا خط مشی یاد می شود. فرآیند اخذ



توجیه و فعال در فرآیند نظر به عمل، نقش تعیین کننده دارند و در مهندسی نگرش‌ها یا چگونگی کنش‌ها به شدت تاثیر گذارند.

## ه) تاکتیک:

واژه "تاکتیک"<sup>(۳۳)</sup> از ریشه یونانی، به معنای "تنظیم و ترتیب" می‌باشد، که امروزه در دو معنی استعمال می‌شود: ۱) دانش فرماندهی در صحنه جنگ؛ ۲) طرق و وسایل و طرح‌های ماهرانه که برای وصول به هدف به کار گرفته می‌شود.

از آنجا که تاکتیک در کنار بحث استراتژی بیشتر قابل فهم است و معمولا نیز در کنار هم تعریف شده اند، خوب است به تعاریف این دو مفهوم در کنار هم از دیدگاه بعضی استراتژیست‌ها آشنا شویم.

"بولو"<sup>(۳۴)</sup> بر این باور است که استراتژی، علم تحریکاتی است که خارج از دید دشمن انجام می‌شود؛ و تاکتیک، علم تحریکاتی است که در مقابل چشم دشمن انجام می‌شود.

از نگاه "جوینی"<sup>(۳۵)</sup> استراتژی مجموعه عملیاتی است که صحنه جنگ را به طور کلی در بر می‌گیرد؛ و تاکتیک، حرکات یک ارتش هنگام جنگ، نبردها و وضعیت گیری در صحنه می‌باشد.

"کاستکس"<sup>(۳۶)</sup> می‌نویسد، استراتژی در دو سوی میدان نبرد اعمال می‌شود؛ و تاکتیک طی نبرد، درست از زمانی که تسلیحات عمل می‌کنند، تا زمانی که از عمل باز می‌ایستند، اعمال می‌شود.<sup>(۳۷)</sup>

نکات قابل تذکر درباره تاکتیک عبارت‌اند از:

اولا: تاکتیک نیز مانند استراتژی، دچار تحول مفهومی شده است و از حوزه‌های نظامی، به عرصه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... گشاده شده و مستعمل شده است.

ثانیا: تاکتیک دقیقا با نوع عمل و جزئیات کنش، ارتباط دارد. ثالثا: تاکتیک نسبت به استراتژی و یا دکترین، از انعطاف پذیری بسیار بالایی برخوردار است و حتی گاه صبغه فریب دشمنان را دارد. رابعا: تاکتیک برخلاف استراتژی، واضح، شفاف و قابل

مشاهده است.

خامسا: اگر استراتژی نظر به کلیات داشته و فراگیر می‌باشد، تاکتیک بیشتر به جزئیات اجرایی استفاده از نیروها در حوزه‌های مختلف توجه دارد و به این دلیل در ملاحظه جنبه‌های خرد، اجرایی هدف — دکترین — استراتژی — سیاستگذاری — تاکتیک و محسوس دکترین، توجه به تاکتیک‌ها نیز بسیار جایز اهمیت است. سادسا: اگر مجموعه فعالیت‌های علمی و عملی را بتوان در دو سطح "ستاد" و "صف" دسته بندی نمود، قطعا تاکتیک مسایل مربوط به "صف" را پوشش داده و برای نیروهای عمل کننده در این حیطه مقرر شده است.

و نهایتا این که: به وضوح می‌توان نتیجه گرفت که، تاکتیک در خدمت دکترین و سیاستگذاری و استراتژی می‌باشد و نه بالعکس.

## ج) جمع بندی و نتیجه گیری:

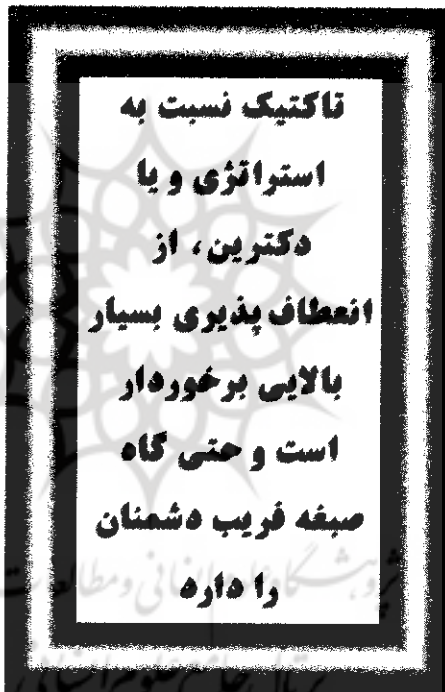
از مجموعه مطالب این نوشتار به این جا می‌رسیم که:

برای حصول به سیری مطلوب در فرآیند نظر و نظریه به عمل و رفتار، پیمودن سیر پنجگانه زیر ضروری است: متاسفانه در سطح کلان و ملی نیز رعایت سیر فوق به ندرت دیده شده و حتی

در شرایط حاضر، به ندرت متفکران و کارگزارانی هستند که واجد دکترین بوده و یا توانایی طراحی استراتژی ملی را داشته باشند (استراتژیست باشند).<sup>(۳۸)</sup>

در مقالات و مکتوبات منتشره، گرچه مفاهیم مورد بحث در این نوشتار، به صورت جزئی و موردی مورد توجه قرار گرفته اند، اما به صورت جریانی به هم پیوست و فرآیندی از هدف تا تاکتیک و در قالب "مهندسی نظر تا عمل"، هنوز این مبحث مهم مورد اهتمام نویسندگان داخلی قرار نگرفته و این نوشتار نیز آغاز راهی برای ورود به این مباحث مهم و کاربردی است.

از آنجا که رایبه دکترین و یا استراتژی، کار هر فرد و یا حتی هر



۱۳۶۹، ص ۳۹، ۵۰، ۶۰-۵۷.

کاظمی علی اصغر، نقش قدرت در جامعه و روابط بین الملل، نشر قومس:

۱۳۶۹، صص ۲- ۱۸۰.

William Little, H.W. foeler, Jessie Coulson, The Shorter Shorter Oxford English Dictionary, Reprint: 1988, p 589.

### 5) Strategy.

۶) عزتی عزت الله، ژئواستراتژی، نشر سمت: ۱۳۷۳، ص ۷.

علی بابایی غلامرضا، فرهنگ علوم سیاسی، ج ۱، شرکت نشر و پخش ویس

(چاپ دوم): ۱۳۶۹، ص ۴۲.

و مباحث و تعاریف میسوط تر از استراتژی و تاکتیک را ببینید در:

منصورزاد محمد، مسایل نظامی و استراتژیکی معاصر، ویژه دوره عالی

رسته‌ای، مدیریت آموزش تخصصی عقیدتی - سیاسی نهسا: ۱۳۷۴.

۷) بوهر آندره، مقدمه‌ای بر استراتژی، ترجمه مسعود کشاورز، دفتر

مطالعات سیاسی و بین المللی: ۱۳۶۶، صص ۸- ۴۶.

بوهر در همین منبع (صص ۴۰- ۳۸)، از پنج الگوی استراتژی نیز سخن به

میان آورده است.

### 8) Policy.

### 9) Policy - Making.

۱۰) آقا بخشی علی، افشاری راد مینو، فرهنگ علوم سیاسی، ص ۲۹۶.

و نیز شرح میسوطی از Policy در:

The Shorter Oxford English Dictionary, p 1620

### 11) Doctriaire.

۱۲) برای ملاحظه تفصیلی تفاوت صفت (یا خط) با ستاد، ر.ک:

طباطبایی مومنی متوجه، حقوق اداری، نشر سمت (چاپ چهارم):

۱۳۷۷، ص ۳۶.

### 13) Tactic.

### 14) Bulow.

### 15) Jomini.

### 16) Castex.

۱۷) منصورزاد محمد، مسایل نظامی و استراتژیکی معاصر، صص ۳-۲.

علی بابایی غلامرضا، فرهنگ علوم سیاسی، ج ۱، ص ۱۶۱.

۱۸) در حالی که در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به ندرت

می‌توان از دکترین سخن به میان آورد.

برای شاهد ر.ک. شرح کوتاهی بر چند شبه دکترین در:

ایزدی بیژن، با همکاری حسین صالحه، سیاست خارجی جمهوری

اسلامی ایران، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم: ۱۳۷۱، صص ۸۰- ۶۱.

اما در سیاست خارجی رقا و دشمنان، به وفور از دکترین و استراتژی

می‌توان گزارش نمود. ر.ک:

الحسنی سلیم، مبانی تفکر روسای جمهور آمریکا، ترجمه صالح ماجدی و

فرزاد ممدوحی انتشارات اطلاعات: ۱۳۷۴.

نهادی نیست، هر گونه ورود به این فضا و میدان را باید به فال نیک گرفت و با نقد و نظر و با آزمون سعی و خطا، این گونه رفتن و اندیشیدن را تقویت نمود. باید از "سیر" به "سیره" رسید و برای رسیدن به روش، سبک و قالب، تمرین‌های زیاد لازم است و البته بهترین و مطلوب ترین شیوه تفکر و عمل نیز با سبک و سنجیده رفتن است.

برای ملموس شده مطالب مختصر این نوشتار، پیشنهاد می‌شود که یکی از مباحث، مثال "نظام مدیریتی" مورد تامل قرار گرفته و ابتدا دکترینی تعریف شده و سپس استراتژی برای آن تدوین نموده و در ادامه سیاستگذاری‌های لازم صورت پذیرفته و نهایتا تاکتیک‌های مناسب برای حصول به هدف، تعریف و پیشنهاد شوند.

تمرین این شیوه نگریستن و برنامه ریزی، از ضروریاتی است که متاسفانه از سوی نیروهای خودی مغفول مانده و باید مورد اهتمام قرار گیرد.

پانویس:

بحث پیرامون تفاوت نظر و نظریه، با فرض آشنایی مخاطبان با موضوع، مفروض گرفته شده است. اجمالا هر دیدگاهی می‌تواند نظر باشد، اما نظریه نباشد. در تعریف نظریه نیز اختلاف نظر فراوانی وجود دارد. برای مطالعه برخی دیدگاه‌ها درباره نظریه در مقایسه با قانون، حداقل ر.ک: Kenneth Walth، مقاله Laws and Theories، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران: ۱۳۷۲ - ۳.

"والث" از جمله مدعی است که نظریه‌ها بیش از آن که مجموعه‌ای از قوانین باشند (که بعضی بر این باورند)، نظریه‌ها و گزاره‌هایی هستند که قوانین را (Explain) می‌کنند و نظریه‌ها از جهت اوصاف و ویژه گیها با قانون تفاوت دارند.

۲) برای مطالعه بیشتر درباره انواع هدف‌ها، حداقل ر.ک:

قوام عبدالملکی، اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل، نشر سمت:

۱۳۷۰، صص ۱۲- ۱۰۴.

### 3) Doctrine

درباره واژه دکترین ر.ک:

آقا بخشی علی، افشاری راد مینو، فرهنگ علوم سیاسی، مرکز اطلاعات و

مدارک علمی ایران: ۱۳۷۳، ص ۱۱۴.

لاریجانی جواد، مقولاتی در استراتژی ملی، انتشارات انقلاب اسلامی:

